

تأملی بر دکتین عقیم شدن قرارداد در حقوق کامن لا و مقایسه آن با فورس مازور در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و حقوق ایران

احمد مومنی راد*

استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مهدی تلبا

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شاهد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۷/۱۱)

چکیده

هنگامی که طرفین قراردادی را منعقد می‌کنند، ملزم به اجرای تعهدات خود هستند، اما گاهی حوادثی ایجاد می‌شود که اجرای قرارداد را ناممکن می‌سازد و یا وضعیت زمان اجرای قرارداد را نسبت به زمان انعقاد آن به‌طور اساسی تغییر می‌دهد. این حوادث که با عنوان معاذیر قانونی از آن‌ها یاد می‌شود، در صورت داشتن شرایط لازم، موجب معاف شدن طرفین از تعهدات و مسئولیت خود می‌گردد. از مهم‌ترین این معاذیر قانونی، دکتین عقیم شدن قرارداد در حقوق کامن لا و فورس مازور است که موجب معافیت طرفین از تعهدات قراردادی و مسئولیت خود می‌شود. شباهت‌های بسیار زیادی بین عقیم شدن قرارداد در حقوق کامن لا و نهاد فورس مازور از جمله در حقوق ایران و در اصول حقوق قراردادهای تجاری بین‌المللی که به اختصار اصول یونیدروا نامیده می‌شود، وجود دارد. عقیم شدن قرارداد هنگامی رخ می‌دهد که در اثر حادثه‌ای ناگهانی و بدون تصور طرفین، اجرای قرارداد ناممکن شده، یا هدف از انعقاد قرارداد از بین می‌رود که در نتیجه سبب عقیم شدن قرارداد می‌گردد. نظریه فورس مازور نزدیک‌ترین نهاد به دکتین عقیم شدن قرارداد است. فورس مازور هنگامی رخ می‌دهد که اجرای قرارداد بدون تصور طرفین در اثر حادثه‌ای خارجی، غیرقابل دفع و پیش‌بینی‌ناپذیر ناممکن می‌شود.

واژگان کلیدی

عقیم شدن قرارداد، عقیم شدن هدف قرارداد، فورس مازور، حقوق کامن لا.

۱. مقدمه

اصل لزوم قراردادها^۱ در همه نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. به موجب این اصل، طرفین قرارداد پایبند به مفاد تراضی خود هستند، اما حقوق همیشه این پایبندی به قرارداد را نمی‌پذیرد؛ چراکه گاهی در اثر ایجاد شرایطی ناخواسته، اگر طرفین ملزم به تعهدات خود باشند، به بی‌عدالتی منجر می‌شود. در واقع، گاهی حوادث خارجی که ممکن است به صورت طبیعی یا غیرطبیعی ایجاد شوند، مانع از اجرای تعهدات قراردادی می‌شوند که در صورت داشتن شرایط لازم به معاف شدن طرفین قرارداد از تعهدات خود میانجامد. این حوادث در اصطلاح معاذیر قانونی خوانده می‌شود. از مهم‌ترین این معاذیر قانونی می‌توان دکتین عقیم شدن قرارداد^۲ و فورس ماژور^۳ را نام برد. دکتین عقیم شدن قرارداد در حقوق کامن‌لا مطرح است؛ در واقع در این نظام، فورس ماژور به‌عنوان یک نهاد حقوقی قدیمی پذیرفته نشده است و دادگاه‌ها فقط در صورتی به آن عمل می‌کنند که طرفین قرارداد آن را به‌صراحت در قرارداد خود پیش‌بینی کرده باشد. دکتین عقیم شدن قرارداد بسیار نزدیک به فورس ماژور است، اما این شباهت‌ها نباید به این منجر شود که این دو نهاد را یک چیز با دو نام متفاوت بدانیم؛ چراکه در کنار شباهت‌هایی که میان آن‌ها وجود دارد، تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود.

در این نوشتار به بررسی و تبیین دکتین عقیم شدن قرارداد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معاذیر قانونی در حقوق کامن‌لا می‌پردازیم و در این راستا مفهوم، شرایط، موارد اعمال و آثار آن را بررسی خواهیم کرد. سپس در ادامه به فورس ماژور و مقایسه آن با دکتین عقیم شدن قرارداد خواهیم پرداخت.

۲. مفهوم عقیم شدن قرارداد

دکتین عقیم شدن قرارداد در حقوق کامن‌لا مطرح است. برابر این دکتین، عقیم شدن قرارداد هنگامی رخ می‌دهد که پس از انعقاد قرارداد، بدون بروز قصوری از جانب طرفین، حوادثی به‌طور غیرقابل پیش‌بینی رخ می‌دهد و اوضاع و احوال حاکم بر اجرا را به‌طور اساسی دگرگون می‌کند. این تغییرات در اوضاع و احوال به‌گونه‌ای ایجاد می‌شود که شرایط اجرا را با آنچه که طرفین در زمان انعقاد قرارداد برعهده گرفته بودند به‌طور چشمگیری متفاوت می‌سازد (Litvinoff, 1985, p.10). در نتیجه این تغییرات در اوضاع و احوال قرارداد، اجرای تعهدات قراردادی از نظر عملی و یا قانونی ناممکن می‌شود، یا اینکه این تغییرات باعث می‌شود که هدف مورد نظر طرفین در قرارداد از بین برود. همان‌طور که از این تعریف برمی‌آید، عقیم شدن

1. Pacta sunt servanda
2. Frustration of contract
3. Force majeure

قرارداد در سه فرض قابل تصور است؛ نخست، فرضی که تغییرات اساسی در اوضاع و احوال، اجرای قرارداد را به صورت عملی ناممکن می‌کند. دوم، فرضی که متعهد به این دلیل نمی‌تواند به تعهد خود عمل کند که پس از انعقاد قرارداد، قانون آن را ممنوع کرده است. برای مثال، خریدار و فروشنده توافق بر فروش کالای معینی را انجام می‌دهند و در آن فروشنده متعهد می‌شود که کالا را به محل اقامت خریدار که در کشور دیگری است، ارسال نماید. اما قانون پس از انعقاد قرارداد، صادرات آن کالای خاص را منع می‌کند و در نتیجه فروشنده نمی‌تواند به تعهد خود عمل کند. سوم، این فرض مواردی را دربر می‌گیرد که اجرا نه از نظر عملی و نه از نظر حقوقی غیرممکن نیست، اما هدفی را که طرفین از انعقاد قرارداد در نظر داشته‌اند، از بین می‌رود. به این موارد به‌طور تفصیلی در قسمت‌های بعدی پرداخته می‌شود. حادثه‌ای که به عقیم شدن قرارداد منجر می‌گردد باید دارای چهار شرط باشد: ۱. از قصور هیچ‌یک از طرفین قرارداد ناشی نشده باشد (عقیم شدن قرارداد نمی‌تواند از سوی خود طرفین ایجاد شود). ۲. قرارداد را غیرممکن سازد و یا به‌طور اساسی از چیزی که طرفین هنگام انعقاد قرارداد در نظر داشتند، متفاوت شود. ۳. بعد از انعقاد قرارداد به‌وقوع بپیوندد در یکی از اشکال: الف) ناممکن شدن اجرا؛ ب) نامشروع شدن؛ ج) عقیم شدن هدف؛ د) نبود شرطی در قرارداد درباره حادثه (Gritsenko, 2014, p.5).

۳. پیدایش دکترین عقیم شدن قرارداد

دکترین عقیم شدن قرارداد در اواخر قرن نوزدهم از دل نظریه قرارداد مطلق^۱ در حقوق انگلیس به‌وجود آمد. پیش از آن، بیشتر تعهدات قراردادی مطلق تلقی می‌شدند و حوادث غیرمترقبه عذری برای عدم اجرا تلقی نمی‌شد. نظریه مطلق بودن قرارداد به‌خوبی در قضیه Paradin v Jane نمایان است. در این قضیه، مستأجر برای رهایی از تعهد خود درباره پرداخت اجاره‌بهای زمین اقامه دعوی کرد و مدعی شد که به دلیل تجاوز دشمنان پادشاه، زمین را به مدت دو سال در اختیار نداشته و زمین در تصرف دشمنان بوده است. دادگاه مستأجر را مسئول شناخت و در حکم خود این‌گونه بیان داشت: «هنگامی که طرف قرارداد تعهدی می‌کند، موظف است آن را به‌درستی انجام دهد- در صورتی که امکان این کار را داشته باشد- صرف نظر از هرگونه حوادث اجتناب‌ناپذیر، چراکه او می‌توانسته است در قرارداد شروطی را در مقابل این حوادث پیش‌بینی کند» (Osadare, 2009, p.9). مواضع نظریه قرارداد مطلق در حقوق انگلیس بسیار سخت بود و دلیلی که ارائه می‌دادند، این بود که طرفین همیشه می‌توانند به‌وسیله شروط صریح در قرارداد خود را در برابر حوادث پیش‌بینی‌نشده محافظت کنند (Cheshire, 1994,)

(p.569). با گذشت زمان این نظریه منصفانه به نظر نمی‌رسید، زیرا چگونه باید طرفین در برابر همه حوادث ناگهانی که هیچ نشانه‌ای از آن وجود ندارد، بتوانند شروطی را پیش‌بینی کنند (Treitel, 1999, p.778). پس از گذشت حدود دویست سال از این قضیه، دکترین عقیم شدن قرارداد با قضیه Taylor v Coldwell در سال ۱۸۶۳م به وجود آمد. در این قضیه، خواننده به خواهان اجازه داده بود که از باغ و تالار موسیقی برای اجرای چهار کنسرت در چهار روز معین در تابستان استفاده کند. اما تنها شش روز قبل از اجرای اولین کنسرت، تالار در یک حادثه آتش‌سوزی نابود شد. دادگاه حکم داد که خواننده مسئول نیست و قرارداد پایان یافته است. استدلال دادگاه این‌گونه بود: «در قراردادهایی که اجرای آنها به ادامه وجود شخص یا چیز معینی بستگی دارد، این شرط ضمنی وجود دارد که در صورتی که اجرا به دلیل تلف شدن آن شخص یا شیء ناممکن شود، باعث معاف شدن از اجرا می‌شود، زیرا بنا بر طبیعت قرارداد روشن است که طرفین قرارداد خود را بر پایه استمرار وجود شخص یا شیء خاصی منعقد نموده‌اند. پس از این قضیه، دکترین عقیم شدن قرارداد به مواردی گسترش یافت که اجرای قرارداد به دلایل دیگری غیر از نابودی یک چیز خاص غیرممکن شده بود. در نهایت، این نظریه مواردی را تحت پوشش قرار داد که در آنها اجرا ناممکن نشده بود، اما هدف قرارداد از بین رفته بود. مورد اخیر در قضیه Krell v Henry مطرح شد. در این قضیه، خواننده آپارتمانی را در مسیر تاج‌گذاری پادشاه ادوارد هفتم اجاره کرد تا بتواند این مراسم را مشاهده کند، اما پادشاه به دلیل بیماری نتوانست در مراسم شرکت کند و مراسم لغو شد. در نتیجه، هدف از انعقاد قرارداد از بین رفت و قرارداد خاتمه یافت (Perillo, 1996, p.111). تفسیر این قضیه به این شکل است که موضوع اصلی قرارداد این بوده است که مستأجر جایی را برای مشاهده تاج‌گذاری اجاره کند (Collins, 2003, p.277)؛ از این رو، هنگامی که تاج‌گذاری صورت نمی‌گیرد، در واقع اجرای کامل این موضوع برای مالک ناممکن می‌شود.

۴. موارد اعمال دکترین عقیم شدن قرارداد

حوادثی را که سبب عقیم شدن قرارداد می‌شوند، به چند گروه تقسیم می‌کنند. در خصوص نحوه تقسیم‌بندی تفاوت ماهوی بین نویسندگان وجود ندارد، اما در مورد روش تقسیم‌بندی به دو گونه عمل شده است. عده‌ای در تقسیم‌بندی دو سبب در نظر می‌گیرند، که عبارت است از ناممکن شدن اجرا و عقیم شدن هدف قرارداد و این گروه عدم مشروعیت را در ذیل عنوان ناممکن شدن اجرا ذکر می‌کنند، اما بیشتر نویسندگان عدم مشروعیت را به عنوان یک سبب جداگانه در کنار دو سبب دیگر آورده‌اند (Southerington, 2001, p.n.5.3)، که در این نوشتار همین روش دنبال می‌شود.

۴.۱. عقیم شدن قرارداد به سبب ناممکن شدن اجرا

ناممکن شدن اجرا اولین سببی است که دانشمندان برای عقیم شدن قرارداد، آن را تصدیق کرده‌اند. این فرض هنگامی رخ می‌نماید که اجرای قرارداد بدون دخالت طرفین، به‌طور واقعی ناممکن شده، در پی آن قرارداد عقیم می‌شود (Atiyah, 1995, p.230). برای مثال در قرارداد فروش یک کالای معین، اگر آن کالا از بین برود، قرارداد فروش عقیم می‌شود. در خصوص عقیم شدن قرارداد به دلیل ناممکن شدن اجرا، موارد گوناگونی را می‌توان برشمرد که به بیان مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

۴.۱.۱. فوت یا عدم اهلیت

کاملاً طبیعی است که در یک قرارداد که شخصیت طرفین قرارداد مهم و جزء ارکان قرارداد است، اگر یکی از طرفین فوت کند و یا در مواردی اهلیت خود را ازدست بدهد، اجرای قرارداد ناممکن شده، باعث عقیم شدن قرارداد می‌شود (مومنی، ۱۳۶۸، ص ۲۷۵)؛ البته مشروط بر اینکه شرایط عقیم شدن فراهم باشد که از جمله آن این است که به دلیل قصور خود شخص ایجاد نشده باشد. برای مثال، اگر یکی از طرفین اهلیت خود را از دست بدهد، قرارداد وکالت عقیم می‌شود (Treitel, 1999, p.784) یا در قراردادهایی که وابسته به استعداد خاص یکی از طرفین است، اگر آن شخص اهلیت خود را از دست بدهد، ممکن است قرارداد عقیم شود. در این زمینه می‌توان به قرارداد تألیف کتاب اشاره کرد که اگر برای مثال جنون ناگهانی بر مؤلف عارض شود، باعث عقیم شدن قرارداد می‌شود. گاهی ممکن است قرارداد به دلیل فوت یا ازدست دادن اهلیت شخص ثالث عقیم شود؛ برای مثال، اگر «الف» و «ب» قراردادی منعقد کنند که در آن «ب» متعهد شود که چهره شخص «ج» را نقاشی کند، اما پیش از اجرای تعهد، «ج» فوت کند (Ibid).

۴.۱.۲. از بین رفتن ارکان ضروری اجرا

در این فرض اجرا به این دلیل ناممکن می‌شود که موضوع اصلی قرارداد و یا چیزی یا شخصی که برای اجرای تعهد قراردادی ضروری است، از بین برود. برای مثال در قرارداد اجاره کشتی دربست^۱، اگر کشتی توقیف گردد، قرارداد در صورت موجود بودن سایر شرایط، عقیم می‌شود؛ یا در قرارداد خدمات شخصی، اگر شخص متعهد برای گذران دوره سربازی فرا خوانده شود. در مواردی که رکن ضروری اجرا به‌طور موقت از دسترس خارج شود، قرارداد در صورتی عقیم می‌شود که اجرای قرارداد در زمان خاصی مورد نظر طرفین باشد و این زمان سپری شود

1. Charter party

(Cheshire, 1994, p.553). همانند دیگر عواملی که سبب عقیم شدن قرارداد میشود، از بین رفتن رکن ضروری اجرا ممکن است قسمتی از اجرای قرارداد را شامل شود که در این صورت فقط آن قسمت از قرارداد در صورت فراهم بودن شرایط عقیم می‌گردد (Tretel, 1999, p.786).

۴.۱.۳. نقض منبع خاص اجرا

هنگامی که موضوع اصلی قرارداد باید از یک منبع خاص اخذ شود، اگر این منبع بدون دخالت و قصوری از جانب طرفین و به صورت غیرقابل پیش‌بینی از بین برود، قرارداد عقیم می‌شود. برای مثال در یک قرارداد فروش شرط شود که کالاها باید از یک منبع خاص تهیه شوند و این منبع از بین برود. این مورد در قضیه Howell v Coup land (Poole, 2014, p.258) به وقوع پیوست؛ به این صورت که کشاورز سیب‌زمینی‌هایی را که از یک قسمت خاص از زمین رشد می‌کردند، فروخت، اما در آن سال بیشتر محصول نابود شد و کشاورز نتوانست به تعهد خود عمل کند. در این قضیه، دادگاه حکم به عقیم شدن قرارداد داد. در نتیجه، کشاورز از مسئولیت برای پرداخت خسارت معاف شد. در مواردی که منبع خاص بدون اینکه به اطلاع طرف مقابل برسد، از سوی یکی از طرفین قصد شود، سبب عقیم شدن قرارداد نخواهد شد. برای مثال، در قضیه فروش الوارها از سوی فروشنده فنلاندی، فروشنده انتظار داشت که الوارها را از کشور فنلاند به‌دست آورد و این به دلیل وقوع جنگ غیرممکن شده بود (Southerington, 2001, n.5.3.1.4). هرچند منبع مورد انتظار فروشنده ناممکن شده بود، قرارداد عقیم نگردید، زیرا این منبع تا زمانی که خریدار از آن آگاه نباشد، فقط یکی از منابع احتمالی و ممکن است. از بین رفتن منبع اجرا ممکن است جزئی باشد. این حالت به‌طور معمول سه نتیجه منطقی دارد: ۱. فروشنده از تحویل قسمتی از کالا که منبع آن از بین رفته است، معاف می‌شود. ۲. فروشنده به‌موجب قرارداد، همچنان برای کالاهایی که توان به‌دست آوردن آن را دارد، تعهد به تحویل می‌کند. ۳. خریدار متعهد به قبول کالاهایی است که فروشنده توان تحویل آن‌ها را دارد (Ibid). اگر فروشنده چند قرارداد منعقد کند که در همه آنها باید تحویل کالا از یک منبع خاص باشد و قسمتی از این منبع از بین برود. در این شرایط برای حل این مشکل چهار احتمال وجود دارد: ۱. عقیم شدن تمام قراردادها؛ ۲. عقیم نشدن هیچ‌کدام از قراردادها؛ ۳. عقیم شدن بخشی از قراردادها؛ ۴. تقسیم چیزهایی که از آن منبع خاص به‌دست آمده است به نسبت هریک از قراردادها، و این به معنی تعدیل قرارداد است. در این شرایط تصمیم با دادگاه است، مگر در مواردی که طرفین به‌صراحت در قرارداد شروطی را پیش‌بینی کرده باشند (Harris, 1989, p.362).

۴.۱.۴. ناممکن شدن روش اجرا

اگر در یک قرارداد به استفاده از یک روش خاص تصریح شده باشد و این روش اجرا ناممکن شود، در صورت فراهم بودن سایر شرایط، قرارداد عقیم می‌شود؛ برای مثال، قرارداد برای سفر توریستی به وسیله هواپیما در یک زمان مشخص، اگر پرواز هواپیما در زمان تعیین شده به دلیل شرایط آب و هوا و یا وقوع جنگ ناممکن شود. در خصوص ناممکن شدن استفاده از روش خاص باید توجه شود که این ناممکن شدن، اگر شرایط اجرای قرارداد را به طور اساسی تغییر دهد، در صورتی می‌تواند سبب عقیم شدن قرارداد شود که استفاده از روش خاص از سوی طرفین شرط شده باشد و یا اینکه حداقل طرفین به آن توجه کرده باشند. از طرف دیگر، ناممکن شدن استفاده از یک روش خاص که در قرارداد شرط شده است، اگر شرایط اجرا را به طور اساسی تغییر نداده باشد، برای عقیم کردن قرارداد کافی به نظر نمی‌رسد؛ چراکه یکی از شرایط عقیم شدن قرارداد تغییرات اساسی در اوضاع و احوال اجرا نسبت به زمان قرارداد است.

۴.۲. عقیم شدن هدف

همان‌طور که بیان شد، دکترین عقیم شدن قرارداد به تدریج گسترش یافت و مواردی به غیر از ناممکن شدن اجرا را دربر گرفت. در عقیم شدن هدف قرارداد، در واقع اجرای قرارداد ناممکن نمی‌شود، بلکه هدف اصلی که قرارداد به دلیل آن واقع شده است، ناممکن می‌شود (Andrews, 2011, p.461). قضیه‌ای که معمولاً برای عقیم شدن هدف قرارداد مثال زده می‌شود، قضیه Krell v Henry است که در آن، خواننده آپارتمانی را در مسیر مراسم تاج‌گذاری پادشاه ادوارد هفتم اجاره کرد تا بتواند این مراسم را مشاهده کند، اما این مراسم به دلیل بیماری پادشاه لغو شد. در نتیجه، هدف از انعقاد قرارداد از بین رفت. دادگاه این چنین رأی صادر کرد که «وقتی عقیم شدن قرارداد رخ می‌دهد، مفهوم آن صرفاً ایجاد یک وسیله دفاعی برای یکی از طرفین در مقابل طرف دیگر که اقامه دعوا کرده است، نمی‌باشد، بلکه عقیم شدن قرارداد، خود قرارداد را منتفی کرده، آن را از بین می‌برد و تعهدات طرفین خود به خود ساقط می‌شود. در نتیجه از روزی که قرارداد عقیم می‌شود، ملغاً می‌گردد؛ یعنی مسئولیت طرفین نسبت به اجرای عقد در آینده ساقط می‌شود (Mazzacano, 2011, p.24).

۴.۳. نامشروع شدن

عقیم شدن قرارداد به این سبب، هنگامی رخ می‌دهد که طرفین قراردادی را به صورت قانونی منعقد می‌کنند، اما پس از انعقاد قرارداد، قانون تغییر پیدا کرده، اجرای آن قرارداد ممنوع می‌شود (Nicholas, 1979, p.4). این سبب عقیم شدن قرارداد همان‌طور که می‌تواند به صورت جداگانه از دو سبب دیگر قرار بگیرد، می‌تواند به‌عنوان یک تقسیم فرعی در موارد عدم امکان هم بیاید. همچنین عدم مشروعیت می‌تواند به‌عنوان یک تقسیم فرعی، ذیل عقیم شدن هدف قرارداد قرار بگیرد. برای مثال، یک قرارداد فروش ممکن است به دلیل ممنوع شدن صادرات آن کالا عقیم شود، زیرا هدف خریدار از خرید آن کالا صادرات آن بوده است.

۵. محدودیت‌های اعمال قاعده

برخی محدودیت‌ها در اعمال دکترین عقیم شدن قرارداد وجود دارد که این موارد باعث مستثنا شدن اعمال عقیم شدن قرارداد می‌شود. در اینجا به بیان بعضی از آنها می‌پردازیم: ۱. هنگامی که یک شرط صریح در قرارداد برای شرایط به‌وجود آمدن حادثه وجود دارد. ۲. حادثه پیش‌بینی شده باشد و یا قابل پیش‌بینی باشد، زیرا طرفین در این مواقع توانایی آن را داشتند که شروطی را در هنگام انعقاد قرارداد در خصوص آن حادثه پیش‌بینی کنند. ۳. حادثه در اثر قصور یکی از طرفین رخ دهد (Treitel, 1999, p.810).

اگر اقدامات یکی از طرفین و یا شخصی که مسئولیت کارهایش با یکی از طرفین قرارداد است، باعث بروز حادثه شود، سبب عقیم شدن قرارداد می‌گردد؛ حتی غفلت یکی از طرفین می‌تواند استثنایی در عقیم شدن قرارداد به‌وجود آورد. برای مثال در قضیه Taylor v Caldwell، اگر آتش‌سوزی به دلیل غفلت صاحب تالار صورت گرفته بود، قرارداد عقیم نمی‌شد. در این مواقع که غفلت متعهد سبب عدم امکان اجرا شده است، باعث می‌شود که او مسئول پرداخت خسارت شود.

۶. اثر عقیم شدن قرارداد

در حقوق کامن‌لا، اثر عقیم شدن قرارداد این است که قرارداد به‌طور خودکار خاتمه می‌یابد و طرفین از انجام تعهدات خود معاف شده، در قبال خسارات وارده در نتیجه عدم اجرا هیچ مسئولیتی نخواهند داشت. هنگامی که حادثه‌ای به‌وجود می‌آید و با فراهم بودن سایر شرایط، عقیم شدن قرارداد صورت می‌پذیرد، هر دو طرف از انجام تعهدات خود از آن لحظه معاف می‌شوند. در ابتدا این قاعده باعث نتایج ناعادلانه‌ای شد، چراکه طرفین هنوز مسئول چیزهایی بودند که قبل از عقیم شدن قرارداد در راستای تعهدات خود انجام داده بودند و هیچ امکانی

برای پس گرفتن پرداخت‌های قبلی و مواردی از این قبیل وجود نداشت. این مشکلات باعث شد که قانون اصلاح قراردادهای عقیم‌شده در سال ۱۹۴۳م سه قاعده را در این خصوص وضع کند: ۱. تمام مبالغی که به‌موجب قرارداد پیش از پایان یافتن قرارداد باید پرداخت می‌شد، در صورت عقیم شدن قرارداد، پرداخت آن‌ها ممنوع می‌شود. ۲. تمام مبالغی که پیش از پایان یافتن قرارداد پرداخت شده است، باید بازگردانده شود. ۳. اگر یکی از طرفین پیش از عقیم شدن قرارداد تعهد قراردادی خود را انجام داده باشد، در صورتی که این تعهد در برابر پرداخت پول از جانب طرف مقابل بوده باشد، دادگاه اجازه می‌یابد که تمام یا مقداری از هزینه‌ها را به او بازگرداند. در خصوص فرض اخیر، دادگاه نمی‌تواند به پرداخت بیشتر از هزینه‌های واقعی حکم بدهد (LNCKX, 1986, p.52).

۷. فورس ماژور

فورس ماژور را به‌طور اجمالی می‌توان این‌گونه تعریف کرد: حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی و کنترل‌ناشدنی که اجرای قرارداد را ناممکن می‌سازد و ممکن است به تعلیق یا فسخ معامله منجر شود (Amon, Wanlton, 1976, p.86). فورس ماژور اصطلاحی است که از حقوق فرانسه گرفته شده و به‌نظر می‌رسد که این واژه برای اولین بار در قانون مدنی فرانسه (کد ناپلئون) استفاده شده است و به‌مرور زمان همین لفظ یا ترجمه آن در کشورهای دیگر و در حقوق بین‌الملل هم به‌کار رفته است. نظریه فورس ماژور از نظریه‌ای با عنوان *Vis Major* از رم گرفته شده است (Barry, 1992, p.201). نظریه *Vis major* تنها به حوادث طبیعی اشاره دارد، درحالی که فورس ماژور کلیه حوادث خارجی را دربر می‌گیرد؛ چه به صورت طبیعی رخ داده باشد و چه به‌وسیله انسان (Osadare, 2009, p5). فورس ماژور را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: ناممکن شدن اجرای تعهدات قراردادی به‌طور مطلق بدون قصور طرفین به دلیل وجود مانعی که متعهد توان دفع و پیش‌بینی آن را ندارد (Eriksen, 2004, p179). فورس ماژور در حقوق فرانسه - به‌عنوان خاستگاه این نظریه - دارای معنای عام^۱ و خاص^۲ است. فورس ماژور در معنای عام عبارت است از حادثه خارجی غیرقابل دفع و پیش‌بینی‌ناپذیر که مانع از اجرای تعهد می‌شود؛ از این‌رو فورس ماژور در معنای عام هم شامل نیروهای طبیعی و هم انسانی می‌شود. در معنای خاص، فورس ماژور همان شرایط تعریف عام را دارد؛ با این تفاوت که فقط حادثه خارجی طبیعی را دربر می‌گیرد (صفایی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۳). فورس ماژور در حقوق داخلی بیشتر کشورها و در عرصه بین‌الملل پذیرفته شده است که از آن جمله می‌توان به اصول قراردادهای تجاری

1. Lato sensus
2. Stricto sensus

بین‌المللی^۱ (اصول یونیدوروا^۲) و حقوق داخلی ایران اشاره کرد. در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در ماده ۷-۱-۷ ذیل عنوان فورس ماژور این‌گونه آمده است: «عدم اجرای تعهد از سوی یک طرف قرارداد، در صورتی معذور است که طرف مزبور ثابت کند، عدم اجرای تعهد به دلیل وجود مانعی که فراتر از کنترل وی بوده است و در زمان انعقاد قرارداد به‌طور متعارف انتظار نمی‌رفته است که مانع مزبور به‌حساب آورده شود، یا از آن یا از نتایج آن اجتناب شود، یا بر نتایج آن غلبه شود» (اخلاقی، ۱۳۹۳، ص ۴۷). در قوانین ایران فورس ماژور گاهی با همین لفظ استفاده شده است که از آن جمله می‌توان به قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی اشاره کرد و گاهی با معادل فارسی آن نظیر قوه قاهره به‌کار رفته است که می‌توان به قانون دریایی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. گاهی نیز بدون اینکه از این واژه استفاده شود، تنها به بیان شرایط و آثار آن پرداخته شده است که در این خصوص می‌توان به مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی توجه کرد. با توجه به این قوانین می‌توان فورس ماژور را در حقوق ایران این‌گونه تعریف کرد: نیروی خارجی مقاومت‌ناپذیر که به صورت ناگهانی رخ می‌دهد و مانع اجرای تعهدات قراردادی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱). با بررسی مفهوم فورس ماژور در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و حقوق ایران معلوم می‌شود که در آن‌ها نظریه فورس ماژور به صورت کامل پذیرفته شده است.

۸. شرایط تحقق فورس ماژور

با ملاحظه ماده ۷-۱-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و بررسی قوانین ایران از جمله مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی، می‌توان دریافت که برای تحقق فورس ماژور وجود سه شرط لازم است: ۱. حادثه خارجی باشد. ۲. حادثه اجتناب‌ناپذیر باشد. ۳. حادثه غیرقابل پیش‌بینی باشد. نکته‌ای که باید در اینجا ذکر شود، این است که شرایط تحقق فورس ماژور به‌طور نوعی قطع نظر از وضعیت شخص متعهد در نظر گرفته می‌شود، به عبارت دیگر، باید انسانی متعارف در همان شرایط واقعه نتواند حادثه خارجی اجتناب‌ناپذیر را پیش‌بینی کند (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۴۷۹).

۸.۱. حادثه خارجی باشد

برای تحقق فورس ماژور باید حادثه خارجی^۳ باشد. خارجی بودن حادثه به این معناست که حادثه باید خارج از کنترل متعهد و قلمرو اراده او باشد و به عبارت دیگر به او قابل انتساب نباشد. از این‌رو، اگر متعهد از اجرای قرارداد خودداری کند و سپس حادثه‌ای رخ دهد که

1. Principles of international commercial contract
2. UNIDROIT PRINCIPLES
3. Exterieur- erternal

اجرای قرارداد را غیرممکن سازد، در این حالت متعهد نمی‌تواند به فورس ماژور استناد کند، زیرا ناممکن شدن اجرا به دلیل خودداری وی از اجرای قرارداد بوده است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۲۷۸).

۸.۲. حادثه غیرقابل پیش‌بینی باشد

برای تحقق فورس ماژور، حادثه باید در زمان انعقاد قرارداد برای طرفین غیرقابل پیش‌بینی باشد. این شرط به این معناست که نوع حادثه در شرایط خاص انعقاد عقد مورد انتظار طرفین نباشد (صادقی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۱۷۷)، دلیل این شرط این است که اگر حادثه قابل پیش‌بینی باشد، طرفین در هنگام انعقاد قرارداد می‌توانند تدابیر احتیاطی مورد نظر را اتخاذ کنند و در صورت لزوم از اخذ قرارداد خودداری کنند و در نتیجه، مسئولیت ناشی از حادثه منسوب به خود آن‌ها خواهد بود. در خصوص ملاک قابل پیش‌بینی بودن، باید انسان متعارف در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی است که احتمال وقوع آن معقول و متعارف نباشد (Lindstrom, 2006, p.6).

۸.۳. حادثه اجتناب‌ناپذیر باشد

برای تحقق فورس ماژور، حادثه باید اجتناب‌ناپذیر و به تعبیر دیگر غیرقابل دفع بوده، یعنی خارج از اقتدار متعهد باشد. در واقع با وجود این شرط است که قرارداد غیرممکن می‌شود. در خصوص شرط اجتناب‌ناپذیر بودن نیز نمی‌توان معیار روشنی ارائه داد و ملاک، عرف و رفتار انسان متعارف است (توسلی جهرمی، ۱۳۸۵، ص ۷۶).

۹. تأثیرات حقوقی فورس ماژور

در خصوص اثر فورس ماژور در برخی از نظام‌های حقوقی تنها انحلال قرارداد پذیرفته شده است (southerington, 2001, n. 5.2). اما اثر فورس ماژور تنها انحلال قرارداد نیست، بلکه می‌تواند سبب تعلیق قرارداد هم بشود. به عبارت دیگر، اگر فورس ماژور دائمی باشد و یا موقت باشد، اما در طول مدت فورس ماژور، مدت قرارداد منقضی شود، فورس ماژور سبب انحلال قرارداد می‌شود؛ اما اگر موقت باشد و پس از پایان یافتن مدت آن هنوز مهلت اجرای قرارداد منقضی نشده باشد، قرارداد دوباره احیا می‌شود (Rimk, 2000, p.219). از این رو، فورس ماژور بر حسب مورد می‌تواند سبب تعلیق اجرایی قرارداد و یا انحلال آن شود. اثر دیگری که برای آن در نظر گرفته می‌شود، این است که اگر در نتیجه آن ضرری به طرف مقابل وارد شود،

متعهد از پرداخت خسارت معاف است (نیکبخت، ۱۳۷۶، ص ۱۲۴)، زیرا عدم اجرا قابل انتساب به متعهد نیست.

۱۰. مقایسه دکتترین عقیم شدن قرارداد و فورس ماژور

با بررسی دو نظریه، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین آن دو به ذهن متبادر می‌شود که به بیان آن‌ها می‌پردازیم. اشاره به این تفاوت‌ها و شباهت‌ها از این جهت اهمیت می‌یابد که در نوشته‌هایی که به بررسی فورس ماژور پرداخته شده است، گاهی دیده می‌شود که دکتترین عقیم شدن قرارداد در کامن‌لا را با نهاد فورس ماژور مترادف می‌گیرند. در اینجا به مقایسه این دو نهاد از جنبه‌های گوناگون می‌پردازیم.

۱۰.۱. از نظر گستره نظریه

از نظر گستره نظریه باید گفت که دکتترین عقیم شدن قرارداد وسیع‌تر از فورس ماژور است. فورس ماژور موقعیت‌هایی را دربر می‌گیرد که اجرای تعهد ناممکن است و مانعی که سبب عدم امکان شده است، باید دارای شرایط اجتناب‌ناپذیر بودن، غیرقابل پیش‌بینی بودن و خارجی بودن باشد. درحالی که دکتترین عقیم شدن قرارداد هم حوادث خارجی را دربر می‌گیرد که اجرای قرارداد را به صورت غیرقابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر ناممکن می‌کند که آن‌ها را در موارد عقیم شدن قرارداد با عنوان ناممکن شدن و عدم مشروعیت بیان داشتیم و هم مورد عقیم شدن هدف را دربر می‌گیرد که این موضوع در فورس ماژور پیش‌بینی نشده است؛ چراکه عقیم شدن هدف قرارداد را ناممکن نمیسازد. به عبارت دیگر، اگر اوضاع و احوال ایجادشده اجرای قرارداد را غیرممکن نکند، در هیچ صورتی نمی‌تواند تحت عنوان فورس ماژور قرار بگیرد؛ درحالی که مشاهده کردیم که عقیم شدن هدف قرارداد اجرا را ناممکن نمی‌کند، بلکه تنها هدف اصلی قرارداد را که قرارداد به سبب آن واقع شده است، از بین می‌برد (Atiyah, 1995, p.232) و این فرض تحت شمول فورس ماژور قرار نمی‌گیرد، چراکه در حقیقت اجرای قرارداد ناممکن نشده است.

۱۰.۲. از نظر استثنا بودن بر اصل لزوم قرارداد

اصل لزوم قرارداد در همه نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است و مفهوم آن این است که طرفین قرارداد باید به انجام تعهدات خود پایبند باشند. نتیجه ضروری اصل لزوم قرارداد این است که اگر یکی از طرفین تعهدات خود را اجرا نکند، نقض عهد کرده، مسئول خسارت‌های وارده به طرف مقابل است. این اصل خالی از استثنا نیست. به عبارت دیگر، در اوضاع و احوالی اگر

متعهد مسئول خسارت‌های انجام نشدن تعهدات قراردادی خود قرار بگیرد، ناعادلانه است. از جمله این موارد می‌توان فورس ماژور و عقیم شدن قرارداد را نام برد (AMBROSE PETER, 2009, p.5)، زیرا در این مواقع اجرا نشدن قرارداد منسوب به طرفین نیست، بلکه در اثر اوضاع و احوال خارجی اجرای قرارداد ناممکن شده یا تغییرات نسبتاً اساسی در شرایط اجرا نسبت به زمان انعقاد قرارداد به وجود آمده است.

۱۰.۳. از نظر آثار

از لحاظ اثری که بر روی قرارداد می‌گذارند، دکترین عقیم شدن قرارداد و فورس ماژور با یکدیگر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. به این صورت که فورس ماژور در مواردی سبب انحلال قرارداد و گاهی سبب تعلیق آن می‌گردد؛ به این ترتیب که اگر حادثه‌ای که فورس ماژور را به وجود آورده است دائمی باشد، قرارداد منحل می‌شود و اگر موقت باشد، اما در طول مدت فورس ماژور مدت قرارداد منقضی شود، فورس ماژور سبب انحلال قرارداد می‌شود. اما اگر موقت باشد و پس از برطرف شدن مانع هنوز مهلت اجرای قرارداد منقضی نشده باشد، قرارداد در این مدت معلق می‌شود و متعهد موظف است پس از رفع مانع یادشده، تعهد را انجام دهد. برای مثال در اثر جریان سیل، جاده‌ای به‌طور موقت غیرقابل تردد می‌شود که در این صورت متعهد باید پس از فرو نشستن سیل و باز شدن راه، تعهد خود را انجام دهد (شهیدی، ۱۳۹۱، ص ۶۵)؛ این درحالی است که دکترین عقیم شدن قرارداد در هر صورت سبب انحلال قرارداد می‌شود (Schwenzer, 2008, p.201). از این رو اگر حادثه‌ای رخ دهد که مانع اجرای موقت قرارداد شود، در صورتی می‌تواند سبب عقیم شدن قرارداد گردد که زمان اجرای قرارداد محدود بوده، در مدتی که مانع به وجود آمده است، مهلت اجرای قرارداد سپری شود. اثر دیگری که باید بررسی گردد، میرا شدن طرفین قرارداد از تعهدات خود و مسئولیت خسارت‌های وارده ناشی از اجرا نشدن قرارداد است، که این اثر میان دکترین عقیم شدن قرارداد و فورس ماژور یکسان می‌باشد؛ چراکه همان‌طور که بررسی کردیم، در صورتی که هریک از دو نهاد پیش‌گفته با شرایط خود به‌وقوع بپیوندند، طرفین از تعهدات قراردادی و مسئولیت خود معاف می‌شوند.

۱۱. نتیجه

در این نوشتار به بررسی دکترین عقیم شدن قرارداد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معاذیر قانونی در حقوق کامن‌لا و مقایسه آن با نهاد فورس ماژور در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و حقوق ایران پرداختیم. دکترین عقیم شدن قرارداد که بسیار نزدیک به نظریه فورس ماژور

است، هنگامی رخ می‌دهد که پس از انعقاد قرارداد، بدون قصوری از جانب طرفین قرارداد، حادثه‌ای به صورت ناگهانی رخ می‌دهد و اوضاع و احوال حاکم بر زمان اجرای قرارداد را نسبت به زمان انعقاد آن به‌طور اساسی تغییر می‌دهد که در نتیجه این تغییرات، در بسیاری از موارد اجرای قرارداد ناممکن می‌شود. اما گاهی بدون اینکه اجرای قرارداد ناممکن شود، عقیم می‌گردد و آن زمانی است که هدف اصلی از انعقاد قرارداد از بین می‌رود که مثال معمول آن قضیه Krell v. Henry است که به بررسی آن پرداختیم.

نظریه فورس ماژور که در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و حقوق ایران کاملاً پذیرفته شده است، نزدیک‌ترین نهاد حقوقی به دکترین عقیم شدن قرارداد است و به این مفهوم است که اجرای قرارداد بدون قصور طرفین و به دلیل وجود حادثه‌ای خارجی، اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل پیش‌بینی، غیرممکن می‌شود.

از مفهوم دو نظریه استنباط می‌شود که دکترین عقیم شدن قرارداد، گسترده‌تر از نظریه فورس ماژور است؛ چراکه فورس ماژور تنها حوادثی را دربر می‌گیرد که اجرای قرارداد را ناممکن می‌سازد؛ درحالی که دکترین عقیم شدن قرارداد افزون بر این، می‌تواند در مواردی اعمال گردد که بدون اینکه قرارداد ناممکن شود، هدف از انعقاد آن از بین برود. تفاوت دیگر این دو نظریه این است که هنگامی که قرارداد عقیم گردید، به‌طور خودکار خاتمه پیدا می‌کند، اما فورس ماژور علاوه بر انحلال قرارداد، در مواردی می‌تواند سبب تعلیق آن بشود. این دو نظریه در اینکه استثنایی بر اصل لزوم قراردادهای می‌باشند، با یکدیگر مشترک‌اند. افزون بر این، هر دو سبب معافیت طرفین قرارداد از تعهدات خود و مسئولیت ناشی از اجرا نشدن قرارداد می‌شوند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. اخلاقی، بهروز و امام، فرهاد (۱۳۹۳). اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی. تهران: شهر دانش.
۲. توسلی جهرمی، منوچهر (۱۳۸۵). موارد رفع مسئولیت قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی و حقوق تطبیقی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲.
۳. صادقی مقدم، محمدحسین (۱۳۷۹). مطالعه تطبیقی تاثیر تغییر اوضاع و احوال بر قرارداد و راه حل حقوق ایران. مجله حقوقی بین‌المللی؛ نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۲۵.
۴. صفایی، سید حسین (۱۳۶۴). قوه قاهره یا فورس ماژور، مجله حقوقی بین‌المللی؛ نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳.
۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). الزام‌های خارج از قرارداد. جلد ۱، مسئولیت مدنی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). دوره مقدماتی حقوق مدنی (اعمال حقوقی). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). قواعد عمومی قراردادهای. جلد ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. شهیدی، مهدی (۱۳۹۱). آثار قراردادهای و تعهدات. تهران: انتشارات مجد.

۹. مومنی، فرامرز (۱۳۶۸). عقیم شدن قراردادهای تجاری با تاکید بر حقوق انگلیس. مجله حقوقی بین‌المللی؛ نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۱۰.
۱۰. نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۷۶). آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد. مجله حقوقی بین‌المللی. نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۲۱.

ب) خارجی

11. Ambrose Peter, Atipo, (2009), Force majeure in international business a comparative assessment of force majeure under the UCC and the UNCISG, university of Dundee
12. Amon and Wanlton, (1976), introduction to French law, London: Oxford university press
13. Andrew, Neil, (2011) Contract law, London: Cambridge university press
14. Atiyah, Patrick. S, (1995), An introduction to the law of contract, Oxford: Clarendon Press
15. Barry, Nicholas, (1992), the French Contract Law, Oxford: Clarendon Press
16. Barry, Nicholas, (1979), "Force Majeure and Frustration", American Journal of Comparative Law
17. Cheshire, G.C, Leong Phang, A.B, Furmston, M.P, Filfoot, and C.S.H, (1994), Cheshire, Fifoot and Frumstons Law of Contract, London: Butterworth's Asia
18. Collins, Hugh, (2003), The law of contract, London: Cambridge university press
19. Eriksen, Eivind, (2004), "Terrorism and Force Majeure in International Contracts", Bond Law Review, Issue 2, Vol 16
20. Gritsenko, Maria, (2014), SANCTIONS, FORCE MAJEURE AND FRUSTRATION OF CONTRACTS UNDER ENGLISH LAW, Moscow: Bryne Cave
21. Harris, D, Tallon, D, (1989) Contract law today, London: Oxford university press
22. INCKX, A. H. PUEL, (1986), Frustration, Hardship, Force Majeure, Imprévision, Wegfall der Geschäftsgrundlage, Unmöglichkeit, Changed Circumstances A Comparative study in English, French, German and Japanese Law, www.trans-lex.org
23. Lindstrom, Niklas, (2006), Changed Circumstances and Hardship in International Sales of Good, Nordic Journal of Commercial Law
24. Litvinof, Saul, (1985), "Force Majeure, Failure of Cause and Thorie de l'Imprévision: Louisiana Law and Beyond", Louisiana Law Review, Volume 46, No 1
25. Mazzacano, Peter J, (2011), "Force Majeure, Impossibility, Frustration & the Like: Excuses for Non-Performance; the Historical Origins and Development of an Autonomous Commercial Norm in the CISG", Nordic Journal of Commercial Law, issue 2
26. Osadare, Babatunde, (2009), FORCE MAJEURE AND THE RFORMANCE EXCUSE: A REVIEW OF THE ENGLISH DOCTRINE OF FRUSTRATION AND ARTICLE 2-615 OF THE UNIFORM COMMERCIAL CODE, university of Dundee
27. Perillo, Joseph M, (1996), Force Majeure and hardship under the unidroid principle of international commercial contracts, Rome
28. Poule, Jill, (2014), Casebook on contract law, London: Oxford university press
29. Rimke, Joern, (2000), Force Majeure and Hardship: Application in International Trade Practice with Specific Regard to the CISG and UNIDROIT Principle of International Commercial Contracts, Kluwer
30. Schwenzler, Ingeborg, (2008), Force majeure and hardship in international sale contracts, University of Basel, VUWLR
31. Southerington, Tom, (2001), Impossibility of Performance and Other Excuses in International Trade, Turkey: Faculty of Law of University of Turkey Private Law Publication
32. Treitel, Guenter.H, (1999), The law of contract, London, Sweet and Maxwel.